



چهره زنانه جنگ

در همه‌جای دنیا، جنگ چهره‌ای خشن و وحشتناک دارد و نویسندگان و شاعران یا به‌سراغ آن نمی‌روند یا به ترسیم تلخی‌ها و ویرانی‌های آن می‌پردازند. بی‌دلیل نیست که ادبیات جنگ در جهان بیشتر در سیمای ادبیات ضد جنگ جلوه کرده و کسانی که در این زمینه دست به قلم برده‌اند کوشیده‌اند، از لابه‌لای توصیف جنگ، به ستایش صلح برخیزند و در واقع نه پیروزی در جنگ که پیروزی بر جنگ را آرزو کنند.

جنگ، از دیرباز، شغلی مردانه بوده و جنگ‌سالاران جهان همواره از میان مردان برخاسته‌اند. بدیهی است روحیه لطیف و صلح‌جوی زنانه قساوت حاکم بر دنیای جنگ را بر نمی‌تابد و زنان نویسنده و شاعر در جهان کمتر قلم خود را وقف نوشتن و سرودن از جنگ می‌کنند و ترجیح می‌دهند نگارش در این زمینه را به مردان وانهند که بیشتر از زنان در میدان‌های جنگ حضور دارند. با این همه، آنچه در ادبیات دفاع مقدس رخ داده چیز دیگری است و، با کمال تعجب، می‌بینیم بخش درخور توجهی از آنچه در این زمینه آفریده شده از قلم زنان نویسنده و شاعر و راوی تراویده است.

در یک نگاه کلی، زنان در ادبیات دفاع مقدس گاه راوی خاطرات جنگ و گاه بازنویس و گردآورنده و نویسنده داستان‌ها و ماجراهای روزهای جنگ و گاه منتقد ادبی

در این حوزه‌اند و گاه ویراستار و کتاب‌پرداز و، در همه این زمینه‌ها، آثاری ماندگار و پرمخاطب خلق کرده‌اند که نگاه منتقدان را جلب کرده و جوایزی، در جشنواره‌های داخلی و خارجی، به خود اختصاص داده یا به زبان‌های دیگر ترجمه شده است. زنانی هم هستند که، هم‌زمان، در بیشتر یا همه این زمینه‌ها فعال بوده‌اند. بخشی از دلکش‌ترین و خواندنی‌ترین سروده‌های دفاع مقدس به زنان شاعری تعلق دارد که، از منظر زنانه، جنگ و حوادث پُرفراز و نشیب آن را دیده و روایت کرده‌اند.

زنان کشور ما، علاوه بر خلق ادبیات جنگ، در بسیاری مواقع، موضوع ادبیات دفاع مقدس‌اند. نویسندگان بسیاری، اعم از زن و مرد، احساسات و خاطرات و خطرات حضور زنان را در میدان‌های نبرد و سنگرهای خطوط اول و دوم و سوم شرح داده‌اند یا فداکاری‌های آنان را در شهرها و مناطق مرزی اشغال‌شده به‌دست دشمن یا حضور مددکارانه‌شان را در پشت جبهه و حتی در اردوگاه‌های اسارت روایت کرده‌اند و یا صبوری‌های مادران و همسران و خواهران و دختران شهدا و جانبازان و اسیران و مفقودان و دیگر رزمندگان را بازگو کرده‌اند یا از تلخ‌کامی‌های زنان مهاجر جنگی و دیگر زنانی سخن گفته‌اند که در پشت جبهه شاهد روزها و شب‌های بمباران و موشک‌باران دشمن بوده‌اند. مجموعه این آثار، علاوه بر ارزش ادبی خاص، تاریخ مستند و موثقی از حوادث جنگ و دفاع مقدس را فراروی آیندگان قرار می‌دهد.

سیمای زنان، در آثار نوشته‌شده در سال‌های اول جنگ، حاشیه‌ای‌تر و منفعل‌تر به نظر می‌رسد اما هرچه می‌گذرد حضور زنان در آثار بعدی، خصوصاً وقتی زنان خود به روایتگری می‌پردازند، عینی‌تر، ملموس‌تر و با جزئیات بیشتری همراه است و زنان، از رهگذر آفریده‌های ادبی خویش، نشان می‌دهند که جنگ را با همه مخاطرات و خشونت آن می‌توانند از زوایایی تازه و دقیق و هنرمندانه و حتی بسیار انسانی لمس و روایت کنند.

روایتگران حضور زنان در جنگ طبعاً از یک نحله و جریان فکری نیستند و کسانی در دوسوی طیف متعهد و معتقد به دفاع مقدس تا به اصطلاح روشن فکران ضد جنگ و نیز میانه‌روها در این عرصه حضور دارند. گروه اول معمولاً حماسه‌ها و فداکاری‌ها و صبوری‌های زنان را در عرصه جنگ بازگو می‌کنند و گروه دوم غالباً فقط از تلخی‌های قساوت‌بار جنگ دم می‌زنند و زنانی را توصیف می‌کنند که در تلاطم دریای ترس و خون و در دل انفجارها دچار سرگردانی فکری و روحی و افسردگی شده‌اند یا، بر اثر خلأهای عاطفی، گریزان از ارزش‌های فکری جامعه، در گرداب ابتذال اخلاقی فرورفته‌اند و شخصیت‌هایی متزلزل به نمایش می‌گذارند. در این میانه، میانه‌روهایی هم هستند که سعی دارند، ضمن نشان دادن حضور فداکارانه و آگاهانه زن ایرانی در عرصه جنگ، از صراحت و شعار پرهیز کنند و تلخی‌ها و ویرانی‌های جنگ را هم در کنار ارزش‌های معنوی آن روایت کنند یا به دغدغه‌های انسانی و خاص زنان در میدان جنگ پردازند؛ همان‌گونه که هستند نویسندگانی که از جنگ تنها به جاذبه‌های داستانی و هیجان‌های آن می‌اندیشند و می‌کوشند در بستر کلی حوادث جنگ داستان‌های مردم‌پسند خود را بنویسند.

به‌راستی دلیل توجه زنان شاعر و داستان‌نویس و خاطره‌نگار و زنان فعال در حوزه ادبیات نمایشی و... به مقوله مردانه جنگ چیست و چرا، با وجود گریز زنان شاعر و نویسنده جهان از روایت‌های جنگی، زنان شاعر و نویسنده ایرانی این‌گونه به ترسیم سیمای زنانه جنگ و دفاع مقدس روی آورده‌اند و چرا بخش قابل توجهی از روحیه لطیف زنانه در ایران، در این سطح، به‌جای روایت‌های عادی، گزاره‌ها و گزارش‌های جنگی را برگزیده است؟ آیا این رویکرد بارز زنان شاعر و نویسنده ایرانی نشانه انسانی و اخلاقی بودن دفاع مظلومانه و مقدس ملت ایران در سال‌های جنگ تحمیلی و دیگر عرصه‌های دفاع از هویت و مرزها و امنیت این کشور نیست؟ آیا اگر ماهیت دفاع مقدس

شبهه جنگ‌های دیگر جهان آکنده از قساوت و خشونت‌های غیر انسانی و اخلاقی بود، هرگز قلم زنان ایرانی در خدمت بیان و روایت آن قرار می‌گرفت؟

واقعیت آن است که جنگ هشت‌ساله و دفاع مقدس ملت ایران، نبرد دو ارتش نبود و این چنین نبود که نظامیانی در دو سوی میدان در برابر یک‌دیگر صف بسته باشند و با توان تسلیحاتی خویش زورآزمایی کنند. این جنگ نبرد یک ملت، با حداقل امکانات نظامی، با یک ارتش کاملاً مجهز و مسلح، بلکه با ارتش‌های متعدد بود؛ زیرا کم نبودند نظامیان وابسته به دولت‌های مختلف منطقه‌ای و فرماندهی‌های که در جبهه دشمن می‌جنگیدند و تاریخ نشان داده است که هر جا روح ملی یک کشور در میدانی حضور می‌یابد زنان، به فراخور توانایی‌های خویش، در آن عرصه حضوری فعال خواهند داشت؛ زیرا «زن» آینه وطن و خاک و آرمان‌های ملی است و در تمامی اسطوره‌های جهان به عنوان نماد زندگی و زمین و باروری شناخته می‌شود و بدون حضور او هیچ واقعه ملی و میهنی و آرمانی شکل نمی‌گیرد.

علاوه بر آنچه گذشت، در سال‌های اخیر، شاهد ظهور زنان محقق و منتقد و نظریه‌پرداز در حوزه ادبیات جنگ و انقلاب هستیم. قسمت درخور اعتنایی از تحقیقات دانشگاهی و مطالعات در زمینه تاریخ و ادبیات جنگ حاصل تلاش‌های علمی این قبیل محققان است که هر روز بر شمار آن افزوده می‌شود. این مجله نیز از انتشار آثار این زنان فرهیخته و مقالاتی که جلوه‌های حضور زنان را در ادبیات انقلاب اسلامی منعکس کند، استقبال می‌کند.

دبیر

